

آینه

وطن امروز

این پادشاه لخت است!

● **حسن رضایی:** مجموعه مواضع و تلاش های دولت طی پنج سال گذشته، جامعه را به این نتیجه رسانده است که در کنه ذهن آقای صالحی و دوستانش این پندار ریشه دارد: نه‌تنها معضلات اقتصادی گذشته، کنونی و آینده؛ که مشکل «آب خوردن» مردم هم ناشی از فشار خارجی است و حل آنها تنها در گرو مذاکره است. آن‌هم به هر شکل ممکن؛ ولو اینکه با عجز و لایه پیش دوربین یورونیوز همراه شود. مهم‌تر از مذاکره‌کردن یا نکردن اما حتما طرف مذاکره است و اینکه ببینیم وی اساسا چیزی در چشته دارد تا با آن بخواهد راه آب‌خوردن ما را باز کند یا نه؟!
نظر آقای قاضی‌زاده، وزیر محترم بهداشت این است که: «چه بخواهیم و چه نخواهیم دنیا از آمریکا می‌ترسد. اروپا در مقابل آمریکا اصلا عدی نیست». این سخن را حتما آقای ظریف هم می‌داند و ایضا آقای عراقچی. شخص آقای روحانی هم که اسد همه اینهاست و خودش گفته است: «اروپایی‌ها آقااجازه هستند و برای هر چیز از کدخدایشان اجازه می‌گیرند».

ایران

هنر محمد بن سلمان

● عربستان با ولخرجی‌های فراوان سعی کرد اقتدار بخرد، ولی مهم‌ترین منبع اقتدار خود که خادم حرمین شریفین بود، در عمل به حاشیه راند. این کار از طریق حمله به سنت‌های رفتاری مردم عربستان و حمایت از توریسم داعشی یا حداقل همسویی با آنها، حمایت از کودتای نظامی السیسی علیه اخوان‌المسلمین، پیش از آن مخالفت با انقلاب یا بهار عربی و حمایت از بنی‌علی در تونس، حمله به یمن و کشتار کودکان و زنان بی‌پناه یمنی، عادی‌سازی روابط با اسرائیل، حمله به کشور قطر به‌دلیل ترس از تلویزیون الجزیره، تقابل با ترکیه و از همه بدتر گریش کردن در برابر آمریکا و ترامپ و این آخری قتل خاشقچی بود و در نهایت به یک گاو شیرده تبدیل و معرفی شد. برای اینکه بدانیم اهمیت وابستگی بن‌سلمان به ترامپ چگونه بالای جان او خواهد شد، کافی است که متذکر شویم، پیش از آمدن ترامپ میزان بدبینی اعراب به سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده حدود ۴۹ درصد بود که سال گذشته به ۷۹ درصد رسید و احتمالا امسال بیشتر هم شده است. ادبیات تحقیرآمیز ترامپ را باید با سخنانی اوباما در قاهره مقایسه کرد که دو احساس کاملاً متفاوت در مخاطب عرب ایجاد می‌کند. هنر محمد بن‌سلمان این است که جایگاه حاکم عربستان را از خادم حرمین شریفین به گاو شیرده برای ترامپ تبدیل کرده است.

انتقاد

به حمایت آیت‌الله مکارم از ظریف توجه کنید

● **محمد مهاجری:**... درحالی‌که شاهد هستیم دشمنان باتمركز بر اقدامات آقای ظریف و وزارت امور خارجه، سعی در اعمال فشار به کشور دارد، برخی نیروهای داخلی نیز دست به این اقدامات می‌زنند، درنتیجه به نظر می‌رسد آیت‌الله مکارم‌شیرازی هم به این مسئله توجه کرده‌اند و خواسته‌اند جناح تندرو مجلس را بر جزر دارند تا تبدیل به عوامل آمریکا و اسرائیل نشوند... امیدوارم توصیه آقای مکارم‌شیرازی در آقایان تأثیرگذار باشد. البته شایان ذکر است که همیشه مراجع عظام تقلید از کلیت نظام دفاع می‌کنند و به همین صورت از کلیت دولت هم همیشه حمایت کرده‌اند، اتفاقا ایشان هر زمان که لازم بداند، بی‌پرده از ارکان دولت و سایر قوا انتقاد هم کرده‌اند تا کارها اصلاح شود. ازجمله بارها دیده‌ایم آیت‌الله مکارم نسبت به قوه قضائیه و دولت و مجلس، انتقادات بعضاً تند داشته‌اند، وقتی این مراجع با این پیشینه انتقاد از دولت وارد حمایت از بخش خاصی از دولت می‌شوند، به این معنی است که شرایط به‌گونه‌ای شده که باید از دولت حمایت کرد و الان زمان خوبی برای استیضاح و انتقاد نیست.

جمهوری اسلامی

آیا مدرس الگوی نمایندگان مجلس است؟

● شرایط کشور به‌ویژه از نظر فشارهای استگینی که در زمینه اقتصادی بر مردم وجود دارد و همین‌طور برنامه‌های بسیار خصمانه‌ای که دشمنان خارجی علیه ملت ایران دارند، به‌گونه‌ای است که نمایندگان مجلس باید تمام‌وقت و نیروی خود را صرف حل مشکلات مردم کنند ولی متأسفانه مردم هرروز شاهد افزایش مشکلات هستند و نمایندگان مجلس به کارهای سیاسی و جنگ قدرت سرگرم‌اند. مجلس می‌تواند برای نظارت بر قیمت‌ها قوانین دقیقی تصویب کند تا جلوی سوءاستفاده افراد سودجو و فرصت‌طلب که به بهانه‌های مختلف قیمت اجناس و حتی ارزاق مردم را بالا می‌برند، گرفته شود. مردم از نظر معیشتی دچار تنگنا هستند و دولت به دلایل مختلف نتوانسته قیمت اجناس و ارزاق را که همراه با افزایش حبابی بالا رفته است، به میزان گذشته برگرداند. تأسف بالاتر اینکه خود مردم هم به همدگر رحم نمی‌کنند. بسیاری از مغازه‌داران از اینکه ناچارند کالاها را به دو، سه برابر قیمت به مشتریان خود بفروشند، ناراحت‌اند ولی حرفشان این است که شرکت‌های تولیدکننده، قیمت‌ها را افزایش داده‌اند و ما چاره‌ای غیر از فروش به قیمتی که آنها تعیین می‌کنند، نداریم.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

میر محمود موسوی در گفت‌وگو با «شرق»:

برجام سنگی میان رودخانه بود

سیاست‌های اضطراری ما را به جایی نمی‌رساند



عکس: ژنوفل رستنی

زینب اسماعیلی : گفت‌وگو با برخی دیپلمات‌ها قلق خودش را دارد. گویی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده بالای قله‌ای ایستاده‌اند و قرار است تصویری که هر کدام می‌بینند برای مخاطب روایت کنند. گاهی این تصویر مشترک است و گاه متفاوت. با میرمحمود موسوی، دیپلمات باسابقه حوزه آسیا و منطقه، چندین‌بار گفت‌وگو کرده‌ام و برخی مصاحبه‌ها برخلاف آنچه از اصول روزنامه‌نگاری آموخته‌ام، به شنیدن و آموختن تبدیل شده است. اگرچه گاهی هم اختلاف‌نظرهایی با هم داریم. کارشناس ارشد وزارت خارجه و استاد دانشکده روابط بین‌الملل است، در سفارت ایران در هند و افغانستان کار کرده، پاکستان و ترکیه را خوب می‌شناسد و مدیر کل آسیای غربی وزارت خارجه بوده است. همین سابقه برای خبرنگار کافی است تا در سوالاتش تا آنجا که وقت اجازه می‌دهد، از هیچ‌کدام از این چند کشور که بحران در اطرافشان کم نیست، نگذرد. کمتر درباره موضوع هسته‌ای حرف می‌زند ولی چند بار موضع‌گیری جدی و غیرقابل چشم‌پوشی کرده است: به‌تازگی هم در گفت‌وگویی گفته است مگر همه کشورها برجام دارند؟ در این مصاحبه نیز از لزوم بازنگری در استراتژی‌های سیاست خارجی و برجام سخن گفته است؛ از چگونگی مواجهه با اسرائیل تا مسائل منطقه و افغانستان.

مبادرت به گروگان‌گیری می‌کند، این سؤال در

افکار عمومی وجود دارد که ارتش پاکستان که قوی است و سال‌ها توانسته حکومت را در این کشور حفظ کند، چرا به مرزهای مشترک با ایران اهمیت نمی‌دهد؟ آیا آنچه می‌شنویم که این گروه تروریستی در برخی حوزه‌ها مثل بحث سرکوب بلوچ‌های پاکستان یا دولت مرکزی یا ارتش پاکستان به‌نظر است و کمک می‌کند، باعث شده تا مرز ایران و پاکستان را رها کنند و اجازه دهند این گروه‌ها اقدامی انجام دهد؟

این موضوع را که گروهی را نام بردید که با پاکستان در جهت سرکوب بلوچ‌های آن سمت مرز همکاری می‌کند، هنوز نمی‌توان تأیید کرد و این‌ خبر ملاک تحلیل من نیست. البته در این گروه چنین قابلیت‌ی را نمی‌بینم و در برابر توانایی‌هایی که پاکستانی‌ها دارند، اهمیتی ندارد. اما درباره اینکه ارتش قدرتمند پاکستان چرا در کنار مرز جلوی این اتفاق را نمی‌گیرد، چند

نکته را باید در نظر گرفت. اولین نکته و شاید مهم‌ترین نکته این است که ارتش موجود پاکستان مأموریت‌های دیگری دارد که برایش اهمیت بسیار بیشتری دارند. مرزهای پاکستان با دو همسایه دیگری یعنی هند و افغانستان معمولاً در حالت التهاپ است. دومین نکته اینکه منطقه بلوچستان پاکستان با مشکلات امنیتی مواجه است؛ از همان ابتدای پدیدارشدن پاکستان تا در امروز مشکلات

مختلف بلوچستان وجود داشته است. یعنی پاکستان در اداره امور بلوچستان خودش مشکلات جدی دارد. سوم اینکه تشکیلات امنیتی همسایگان پاکستان در منطقه بلوچستان هرکدام بازنگری می‌کنند. بعضی شیطنت‌های غیرهمسایه را هم اضافه کنید. هر یک هم اهداف خودشان را دارند. چهارم اینکه گروه‌های فعال این منطقه پیونده پیچیده‌ای با مافیای قاجاق و مواد مخدر دارند که دست‌هایشان نه‌تنها تا داخل ایران که تا شمال اروپا دراز می‌شود. به این نکته اگر فساد مقامات محلی و شراکت آنها را هم بیفزایید، معجون عجیبی می‌شود. نکته آخر اینکه نیروهای مسلح ایران در مرز حضور دارند و با وجود حضور آنها این مزاحمت‌ها صورت می‌گیرد.

■ **شما قبلاً هم به این موضوع پرداخته‌اید و بحث بی‌مهری به بلوچستان از سوی دولت‌های مرکزی در صحبت‌های شما بوده است. اکنون هم این موضوع را مدنظر دارید؟**
صدا درصدد. این مسئله موضوع جدیدی نیست.

دیپلماسی

ادامه از صفحه یک

اینجا خانواده نشسته است!

محرورکردن غیرمنصفانه و غیرمنطقی قشر ۴۰میلیونی جامعه از حضور در ورزشگاه‌ها، نوعی خشونت محسوب می‌شود که خواهی‌نخواهی بر ایجاد دیگر نمونه‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زند، همان‌طور که آمارها نشان می‌دهند، زنان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر انواع خشونت‌ها هستند. حضور زنان در جایگاه‌های تماشاجیان، علاوه بر اینکه به لحاظ روان‌شناختی برای آنان التیام‌بخش خواهد بود، جایگاه آنان را در مصاف‌هایی نظیر برابری حقوق و دستمزد، دستیابی به شغل‌هایی که در انحصار مردان هستند و... تقویت خواهد کرد. به عبارت دیگر، اگر قرار است خشونت اعمال‌شده علیه زنان در جامعه کاهش یابد، یکی از راه‌ها، راهیابی آنان به ورزشگاه‌هاست، شاید بتوان این نوع از خشونت را نمونه‌ای از خشونت دانست که ژئیک (۱۳۹۴) آن را مطرح کرده است. ضرورت سوم، اهمیت حضور بانوان در ورزشگاه‌ها از نظر ساختارهای بین‌المللی مانند فیفاست. همان‌طور‌که در تورنمنت جهانی والیبال در سال گذشته شاهد بودیم، همه نهادهای بین‌المللی ورزشی نگاه ویژه‌ای به حضور زنان در جایگاه‌های تماشاجیان دارند. از دیدگاه آنان، ممانعت از حضور زنان نوعی تبعیض جنسیتی است. به این دلیل است که از المپیک گرفته تا فیفا و... حضور زنان در ورزشگاه‌ها و در جایگاه تماشاجیان از اهمیت بالایی برخوردار است. بدیهی است تاوأم سرسختی در ممانعت از حضور آنان در ورزشگاه‌ها، می‌تواند کشور را با محرومیت‌ها و جرمیه‌هایی روبه‌رو کند و اگر این اتفاق با نوعی اجبار رخ دهد، اهمیتی در اذهان عمومی نخواهد داشت، چراکه این تصمیم بر اساس فشار بیرونی و نه احترام به خواست عمومی صورت گرفته است. ضرورت چهارم، اهمیت پیشگیری از خشونت علیه زنان در تمامی شئون زندگی اجتماعی است. گرچه دغدغه برخی از مخالفان حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، صیانت از جایگاه و ارزش وجودی زنان است، ولی واقعیت این است که رفتارها و الفاظ ناشایست به بانوان مسئله‌ای نیست که فقط در استادیوم‌ها وجود داشته باشد. خشونت‌های کلامی در سطح جامعه، مسئله‌ای است که کمتر خانمی، به‌ویژه در فضاهای شهری، در معرض آن قرار نگرفته باشد؛ بنابراین اگر دغدغه‌ای وجود دارد، لازم است صرف پیشگیری از خشونت به بانوان در همه عرصه‌های جامعه شده و فقط محدود به چند بازی فوتبال نشود.

ادامه از صفحه ۴

در بودجه ۱۳۹۸ چه شاخص‌هایی بهبود پیدا کند؟

این به آن معناست که از هر هفت‌ریالی که دولت هزینه می‌کند، بیش از شش ریال آن به هزینه جاری داده می‌شود و باقی آن به طرح‌های عمرانی اختصاص پیدا می‌کند. هرچه این شاخص کوچک‌تر باشد؛ یعنی دولت در استفاده از منابع کارآمدتر عمل کرده است. در بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور، با توجه به پیش‌بینی‌هایی که از اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ انجام شده است، نرخ رشد اقتصادی کاهش‌ی خواهد بود و این نرخ بین منفی ۳/۸ تا منفی ۵/۵ درصد پیش‌بینی شده است. تراز دارایی‌های سرمایه‌ای که مابه‌التفاوت واکذاری و تمکل دارایی‌های سرمایه‌ای است، نشان می‌دهد دولت به‌طور خالص چه میزان بر ثروت و دارایی خود افزوده یا از آن کاسته است. تراز یاشده در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ روند نامناسبی را طی کرده است و گویای این واقعیت است که در این سال‌ها، کمتر از نصف منابع حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای به سرمایه‌گذاری اختصاص داده شده است. چنین شیوه‌ای در بودجه‌ریزی به معنای آن است که بخشی از منابع بودجه، به‌جای اینکه به امور سرمایه‌گذاری تخصیص پیدا کند، در بخش جاری هزینه شده است و این به معنای نقض حقوق بین‌دوره‌ای در بودجه و رعایت‌نکردن تعریف بودجه‌ریز است. متأسفانه دولت‌ها در سال‌های اخیر به شیوه‌ای که در بودجه‌ریزی اتخاذ کرده‌اند، رفاه آیندگان را فدای نسل‌های فعلی کرده‌اند و این وضعیت در تراز دارایی‌های مالی انعکاس یافته است و این‌ تراز در سال‌های اخیر مثبت بود و رفاه و مطلوبیت نسل کنونی، نسل‌های بعدی را به‌هکار کرده‌اند.

شاخص‌های ذکرشده نشانگر این واقعیت است که عملکردها در بودجه سال‌های اخیر نامناسب بوده و بخش زیادی از این عملکرد در راستای تقویت بنیه اقتصادی و ارتقای رشد اقتصادی کشور نبوده و تعقیب اهداف بودجه‌ای برخلاف آنچه در ماده (۱) قانون محاسبات عمومی درباره پیش‌بینی درآمدها یا تعقیب سیاست‌ها و اهداف به صورت متوازن آمده، انجام نشده است. استمرار این روش در سال ۱۳۹۸ با توجه به پیش‌بینی‌هایی که از برخی متغیرهای کلان اقتصادی انجام شده است، می‌تواند به بخش‌های واقعی اقتصاد و بخش خصوصی و در مجموع به تولید، آسیب‌هایی جی و وارد کند؛ بنابراین برای تحول این وضعیت باید در شاخص‌ها و نسبت‌های بودجه‌ای مؤثر بر نرخ رشد تولید ناخالص ملی که در بالا به آنها اشاره شد، تغییری جدی حاصل شود.

باید واقع‌بین باشیم و روابط خود را بازخوانی کنیم و چارچوب درستی برای سیاست خارجی تعریف کنیم و روابط را بر آن اساس با کشورهای منطقه و وای منطقه تعریف کنیم. مسئله برجام هم خارج از این بحث نیست. اگر قرار باشد منصفانه و واقع‌بینانه به برجام نگاه کنیم، در قضیه برجام ما در سایه سیاست اروپا حرکت می‌کنیم.

سیاست‌های اروپا حرکت می‌کنیم.

چارچوب درستی برای سیاست خارجی تعریف

بعد از جریان بهار عربی و پدیدآمدن یکی از جدی‌ترین بحران‌ها بعد از جنگ جهانی دوم یعنی مسئله مهاجرت به‌شدت وضعیت اروپا به هم ریخته است. اروپا خیلی جدی تحت تأثیر قضیه مهاجرت است؛ بنابراین راهبرده اصلی‌ای که دنبال می‌کند «بهریز از بحران وابسته در خاورمیانه» است. کنترل بحران در خاورمیانه، اصلی‌ترین محور راهبردی اروپا در سیاست خارجی‌اش است. در چارچوب این راهبرد است که اروپایی‌ها در مقابل آمریکا ایستاده‌اند که برجام را که به نفس‌های آخر افتاده به ترتیبی حفظ کنند تا ایران از برجام خارج نشود و خروج ایران از برجام تنش و تقابل‌های منطقه‌ای بیشتری ایجاد نکند و باز هجمه دیگری در حوزه مهاجرت به اروپا ایجاد نشود. این اصلی‌ترین موضوع است که ما زیر این چتر نفس می‌کشیم. در حقیقت زیر سایه برجام نیست که نفس می‌کشیم. هر جناح بخشی از برجام را گفت. کسی این را با جامعیت طرف نگفت. یک طرف می‌گوید همه‌چیز را دادیم و طرف دیگر می‌گوید ما خیلی امتیازها گرفتیم. هرکدام هم با انگیزه‌های جناحی ناقص می‌گویند. یک مسئله ملی را جناحی تفسیر می‌کنند، به‌هرحال چون بحث برجام نیست وارد جزئیات نمی‌شوم. اگر احساس نگرانی می‌کنیم از این قضیه که فضای مثبت از بین رفته، به چارچوب‌های اصلی و سیاست‌های کلان کشور برمی‌گرد. موضوع برجام هم در داخل این چارچوب تعریف می‌شود.

چارچوب اصل است. اگر پیامان را در جاهای فرعی بگذاریم هیچ‌گاه نمی‌توانیم از این دایره خارج شویم و مسائل را برای درازمدت حل کنیم. ملاحظه شد که با رفتن و آمدن افراد همه مسائل زی‌زور می‌شود و این نشان‌دهنده مطمئن‌نبودن این چارچوب است. شما نمی‌توانید پایتان را روی یک تکه سنگ به نام برجام بگذارید و از رودخانه مشکلات رد شوید. باید پل ایجاد کنید. برجام سنگی بود که وسط آب گذاشته شد، اما کشور نیازمند پل است.

اما اگر آقای ترامپ سرکار نمی‌آمد یا چنین شخصیتی نداشت، امکان‌ش وجود داشت که برجام برای ایران پل شود.

که چه بکند؟

■ **رابطه ما را با دنیا احیا کند و بهبود ببخشد.**
بالاخره مذاکره هسته‌ای و برجام در این دوره توانسته بود تا‌یوی مذاکره با آمریکا را بشکند. در حاشیه برجام یک عده زردانی و بول‌بلوکه‌شده آزاد شدند. اینکه به بهانه موضوع هسته‌ای برخی امتیازها را بدهیم و برخی را بگیریم، اقدام کمی نبود. درحالی‌که سیاست خارجی ما همیشه در حالت قیض قرار دارد.

گفته شما به شرطی درست است که پیش از ترامپ، اوباما نبود.

ادامه در صفحه ۱۵